

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

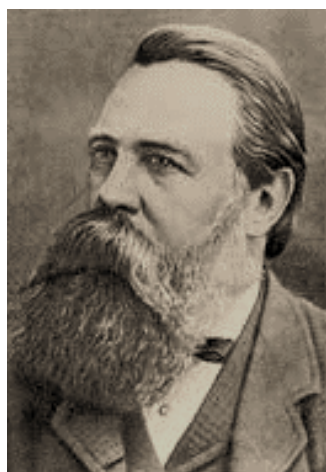
afgazad@gmail.com

Political

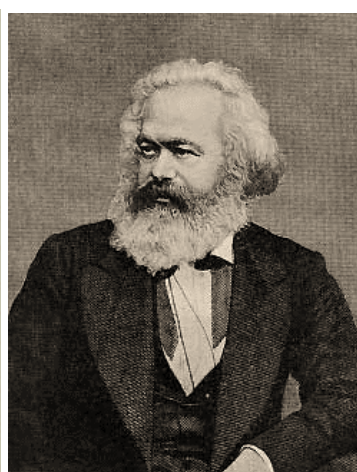
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۰۷ اپریل ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۳۶

۱۱- فردریش انگلس به کارل مارکس.

منچستر، ۲۴ اکتوبر ۱۸۶۹

... تاریخ ایرلند به ما نشان می دهد که وقتی ملتی زیر سلطه ملت دیگری گرفتار می آید به چه مصیبتی دچار می شود. همه پستی منشی های انگلیس از همین دیوار ایرلندی^۱ منشأ می گیرد. من هنوز باید دوره کرامول^۲ را مورد بررسی قرار دهم، ولی آنچه برای من مسلم است این است که بدون ضرورت تسلط نظامی بر ایرلند و ایجاد اشرافیت نوین، انگلستان روزگار دیگری می داشت.

^۱ دیوار – فاتحان انگلیس در نیمه دوم سده دوازدهم سرزمین های ایرلند شرقی را که به زانو در آورده بودند چنین می نامیدند. تخته پرشی بود برای گسیل نظامیان به داخل جزیره و مستعمره سازی قطعی آن در سده پانزدهم صورت گرفت.

^۲ Cromwell

۱۲- کارل مارکس به لودویگ کوژلن

۲۹ نومبر ۱۸۶۹

... با وجود این، مداخله من روی موضوع عفو ایرلندی ها و پیشنهادی که علاوه بر این در شورای عمومی برای بحث درباره موضع گیری طبقه کارگر انگلیس و تصمیم گیری در رابطه با ایرلند مطرح کردم، طبیعتاً هدفی به جز مذاکره قاطعانه نداشت تا صدای خودمان را به نفع ایرلند ستم دیده و علیه ستمگران به گوش دیگران برسانیم.

بیش از پیش بر این باورم که طبقه کارگر انگلستان باید آگاه باشد که تا وقتی که قاطعانه در رویکرد سیاسی اش در رابطه با ایرلند با سیاست طبقه حاکم متارکه نکند و تا وقتی که با ایرلندی ها متحد نشود به هیچ کار قطعی در اینجا، در انگلستان نائل نخواهد آمد، علاوه بر این باید در انحلال اتحادیه اجباری سال ۱۸۰۱ و جایگزینی آن با کنفدراسیون قانونی و آزاد ابتکار عمل را به دست گیرد. پرولتاریای انگلیس باید این سیاست را پی گیری کند، نه برای ابراز دوستی به ایرلند بلکه به این علت که به منافع خودشان بستگی دارد. وگرنه مردم انگلیس در وابستگی و در بند طبقات حاکم باقی خواهند ماند، در این صورت پرولتاریا مجبور خواهد شد در اتحاد با طبقات حاکم علیه ایرلند موضعگیری کند. هر جنبش مردمی در انگلستان به دلیل اختلافات با ایرلند که در انگلستان بخش خیلی مهمی از طبقه کارگر را تشکیل می دهد از پیش فلج خواهد شد. اینجا، نخستین شرط آزادی، یعنی سرنگونی الیگارشی کشاورزی ناممکن خواهد بود، زیرا تا وقتی که اربابان زمین در ایرلند پیش قراولان خود را در سنگر بندی های محکم حفاظت می کند مبارزات به پیروزی نمی انجامد. به عکس، به محض اینکه مردم ایرلند سرنوشت خود را به دست گیرند، به محض این که قانونگذار خودشان باشند، به محض این که خودشان حکومت را به دست گیرند و از خودمختاری برخوردار شوند، از بین بردن اشراف زاده های زمیندار (که بخش مهمی از آنان همان زمینداران بزرگ انگلیس هستند) خیلی ساده تر از اینجا خواهد بود.

در ایرلند مسأله فقط به نظم اقتصادی مربوط نیست: زیرا مسأله در عین حال ملی نیز هست. در ایرلند زمینداران بزرگ مثل انگلستان از افراد معتمد و نمایندگان سنتی نیستند بلکه ستمگرانی هستند که ملت ایرلند را زیر فشار قرار داده اند و نه فقط تحولات داخلی جامعه انگلیس در مناسبات موجود با ایرلند بلکه علاوه بر این سیاست خارجی و به ویژه سیاستش در رابطه با روسیه و ایالات متحده امریکا فلج شده است.

به این علت که ترازو را به شکل انکار ناپذیری طبقه کارگر انگلیس است که به نفع آزادی اجتماعی سنگین می کند، در همین جاست که باید اهرم خودمان را به کار بیندازیم. در واقع، این ایرلند است که موجب شکست جمهوری انگلیس در دوران کرامول شد^۳. Non bis in idem^۴. ایرلندی ها با انتخاب عضو پارلمان جنایتکار محکوم شده [زندانی] او دونووان^۵ خیلی خوب با دولت انگلیس بازی کردند... در واقع انگلستان همیشه با اعمال نفرت انگیزترین ترورها و بزهکاریها در ایرلند حکومت کرده است و تا وقتی که وضعیت کنونی باقی بماند به شکل دیگری نمی تواند حکومت

^۳ در دوران انقلاب بورژوازی انگلیس در سده هفدهم، شورش در سال ۱۶۴۱ در ایرلند به وقوع پیوست. بخش بزرگی از جزیره در خطر جدائی از بریتانیای کبیر قرار گرفت. برقراری صلح وحشیانه از ۱۶۴۹ تا ۱۶۵۲ با مصادره زمین ها به نفع زمینداران بزرگ انگلیس خاتمه یافت. مالکان زمین و بورژواهای متروپل از این فرصت استفاده کردند و زمینه برای احیای دودمان استوارت در سال ۱۶۶۰ آماده شد.

^۴ در متن به لاتین نوشته شده. اصطلاح لاتین معنای تحت الفظی «نه دو بار برای همان چیز». به معنای کیفری. قاعده ای در آئین دادرسی که از دوران حقوق رومی وجود داشته، بر اساس آن هیچ کس را برای جرم مشابه دو بار محاکمه و مجازات نمی کنند.

^۵ O'Donovan Rossa.

کند.

۱۳- نامه کارل مارکس به فردریش انگلس

۱۰ دسمبر ۱۸۶۹

...اینک ببینیم سه شنبه آینده، صرف نظر از هر گفتمانی نظیر «انترناسیونال» و «بشر دوستانه» چگونه به مسائل عدالت در ایرلند خواهیم پرداخت _ زیرا در هر صورت چنین مسائلی در شورای انترناسیونال مطرح خواهد شد _ منافع خدشه ناپذیر طبقه کارگر انگلیس ایجاب می کند که تمام روابط فعلی اش را با ایرلند قطع کند. من به این موضوع عمیقاً معتقدم و نمی توانم همه دلایلم را برای کارگران انگلیس توضیح دهم. مدتها فکر می کردم که این جهش و حرکت کارگری انگلیس است که سرنگونی رژیم ایرلند را میسر خواهد کرد و همیشه از این فکر در نیویورک دلیلی تریبون دفاع کردم. ولی پژوهش جدی تری موجب شد که عکس این نظریه به من ثابت شود. طبقه کارگر انگلیس پیش از حل مسأله ایرلند دست به هیچ کاری نخواهد زد. اهرم در خود ایرلند است که باید به کار بسته شود. به همین علت مسأله ایرلند تا این اندازه به طور کلی برای جنبش اجتماعی حائز اهمیت است.

من تا حدود زیادی منتخبی از نوشته های دیویس^۶ را خواندم. ولی خود کتاب را در موزه دیدم و تنها آن را ورق زدم. لطف بزرگی در حق من خواهی کرد اگر مطالبی را که به اموال عمومی مربوط می شود برای من ذکر کنی. و «گفتمان های کورن»^۷ را فراموش نکن، توسط دیویس منتشر شده است، (London : James Duffy 22,

Paternoster Row)

وقتی در لندن بودی می خواستم آنها را در اختیار بگذارم. حالا این کتاب بین اعضای شورای مرکزی دست به دست می گردد^۸، و خدا می داند که کی به دستم باز خواهد گشت. برای دوران ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۰ (اتحاد)، اهمیت فوق العاده ای دارد، نه تنها به دلیل گفتمان های کورن [(به طور مشخص گفتمان های قضائی اش، از دیدگاه من کورن تنها وکیل (وکیل مردم) برجسته قرن هجدهم و دارای سخاوتمندانه ترین خصوصیات است، در حالی که گرانتان^۹ یک حقه باز پارلمانی ست)] بلکه از این جهت که در آنجا تمام منابع مربوط به «اتحادیه ایرلندی ها»^{۱۰} را پیدا خواهی کرد. این دوره هم از نظر علمی و هم از نظر دراماتیک بودن آن اهمیت بسیار زیادی دارد. در وهله نخست، دناونت انگلیسی ها در سال ۱۵۸۸-۱۵۸۹ دوباره در سال ۱۷۸۹-۱۷۸۸ تکرار می شود (شاید با ابعاد گسترده تر). در ثانی، در خود جنبش ایرلندی بروشنی شاهد یک جریان طبقاتی هستیم. ثالثاً با سیاست شرم آور پیت روبه رو می شویم. رابعاً آنچه آقایان انگلیس را آزرده خاطر می کند _ به این دلیل است که ایرلند با شکست مواجه شده، زیرا در نهایت، از دیدگاه انقلابی، ایرلندی ها برای بلوای انگلیس که همچنان به پادشاه و کلیسا وفادار بودند خیلی جدی تر و جلوتر به نظر می رسیدند و از طرف دیگر به این علت که واکنش در انگلستان (مثل زمان کرامول) ریشه در انقیاد ایرلند داشت. حداقل

⁶ J.Davies : « Historical Tracts » édité à Dublin en 1787.

⁷ Discours de Curran

⁸ Conseil Général de la 1^{er} internationale اولین انترناسیونال

⁹ Grattan

¹⁰ «اتحادیه ایرلندی ها»، سازمان سرّی انقلابیون ایرلندی ست، که تحت تأثیر انقلاب کبیر فرانسه ایجاد شد. اتحادیه ایرلندی ها، که رهبریت آن را جمهوری خواهان بورژوا به عهده داشتند. ولف تون (Wolf Tone) در پی ایجاد جمهوری مستقل ایرلند بودند. این گروه محرک شورش سال ۱۷۹۸ بودند.

یک فصل باید به این دوره اختصاص پیدا کند. جان بول^{۱۱} باید محکوم شود!...

۱۴- نامه فردریش انگلس به کارل مارکس

۱۹ جنوری ۱۸۷۰

...در یکی از کتابخانه های اینجا، سرانجام یک نسخه از پرندرگست^{۱۲} پیدا کردم، و امیدوارم آن را داشته باشم. قوانین قدیمی ایرلند نیز باید منتشر شوند، خوب یا بد، مجبور خواهیم بود به دقت روی آنها کار کنیم. هر اندازه به مطالعات تعمیق می بخشیم، بیشتر برایم روشن می شود که تهاجم انگلیس به طور کلی مانع تحول ایرلند شده است و آن را چندین قرن به عقب بازگردانده است. چنین واقعه ای از قرن دوازدهم شروع شد^{۱۳}، ولی نباید فراموش کرد که سیصد سال اشغال و چپاول توسط دنمارکیها به شکل محسوسی این کشور را از پای انداخت^{۱۴}. ولی صد سال پیش از آن متوقف شده بود...

۱۵- کارل مارکس به زیگفرید مه پر و اوگوست ووژت^{۱۵}

۹ اپریل ۱۸۷۰

... در پیوست، چند نسخه از بیانیه های شورای عمومی [انترناسیونال اول] که در ۳۰ نومبر درباره عفو ایرلند نوشته ام و با آن آشنائی دارید و به همچنین متن فکاهی نویسی ایرلندی درباره رفتارهای خشونت آمیز با زندانیان فنیان. می خواستم چند بیانیه دیگر درباره ضرورت تحول در اتحادیه کنونی (یعنی بردگی ایرلند) به فدراسیون آزاد و برابر با بریتانیای کبیر بنویسم. موضوع کنونی که مربوط است به بیانیه های رسمی به دلیل غیبت اجباری من به حالت تعلیق درآمد. در حال حاضر هیچ یک از اعضای شورای عمومی به مسائل ایرلند آشنائی ندارد و بین اعضای انگلیس، شورا از اقتدار کافی نیز برخوردار نیست تا جایگزین من شود.

درباره مسائل دیگر و قتمان را تلف نکرده ایم و از شما خواهش می کنم به مطالب ذیل توجه ویژه داشته باشید. سال ها بررسی درباره مسائل ایرلند من را به این نتیجه رسانده است که ضربه تعیین کننده علیه طبقات حاکم انگلیس (تعیین کننده برای جنبش کارگری در بُعد جهانی) در ایرلند باید بر آنان وارد شود و نه در انگلستان.

اول جنوری ۱۸۷۰، شورای عمومی یک نامه سرّی را که من به زبان فرانسه نوشته بودم پخش کرد (روزنامه های فرانسوی هستند که روی انگلستان تأثیر می گذارند و نه روزنامه های آلمانی)، این نامه درباره مناسبات مبارزه ملی ایرلندیها در رابطه مفصلی با آزادی طبقه کارگر نوشته شده بود و در نتیجه از رویکردی سخن می گفت که انجمن بین

¹¹ John Bull: جان بول نام پرسوناژی ست که انگلستان را باز نمائی می کند و ماهیت نمادینه دارد. جان بول در عین حال معرف سنخیت فرد انگلیسی ست که به شکل Djohn Boule نیز تلفظ می شود و به معنی «جان گاوانر» است. این پرسوناژ را جان آربوتنوت John Arbuthnot در سال ۱۷۱۲ آفرید و طراحان آن را در جراید و نشریات و کتاب های مصور به کار بردند. جان بول با عمو سام همگون است.

¹² John P. Prendergast: « The Cromwellian Settlement of Irland », London 1865

¹³ در سال ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ بارون های انگلیس - نرماند به بهانه این که تاج لینستر را به شاه درموت بازگردانند که از انگلیس ها درخواست کمک کرده بود. در ۱۱۷۱، ارتش انگلستان در جزیره پیاده می شود. هانری دوم، پادشاه انگلستان اشراف محلی را مجبور ساخت که او را « سنپور» (سرور) کشور بخوانند. به این ترتیب فتح تدریجی ایرلند آغاز شد که نخستین مستعمره انگلیس به حساب می آید.

¹⁴ نویسنده اشغال گری های دزدان بحری نرماند (به انگلستان و به همین ترتیب به ایرلند را در نظر دارد، آنها را دنمارکی می نامیدند). در ۱۰۱۴، در کلونترف شکست خوردند، حادثه ای که به مبارزه ایرلندی ها علیه اشغال گران یاری رساند.

¹⁵ August Vogt

المللی باید در رابطه با مسأله ایرلند انتخاب کند.

در اینجا خیلی مختصر نکات بنیادی را به طور خلاصه برای شما توضیح می‌دهم. ایرلند دژ اشرافیت زمیندار انگلیس است. بهره برداری از این کشور نه فقط منبع اصلی ثروت‌های مادی بلکه مهمترین وجهه اخلاقی این طبقه نیز می‌باشد، زیرا اشرافیت انگلیس عامل تسلط انگلیس در ایرلند است. در نتیجه اشرافیت انگلیس ابزاری است که در خدمت حفظ قدرت حتا در خود انگلستان به کار بسته می‌شود. از سوی دیگر، اگر ارتش و پولیس انگلستان فردا ایرلند را ترک کند، فوراً انقلاب کشاورزی به وقوع خواهد پیوست. بر این اساس، سقوط اشرافیت انگلیس در ایرلند وضعیتی را به وجود می‌آورد که به سقوطش در انگلستان می‌انجامد. این وضعیت شرایط مقدماتی انقلاب پرولتاریائی را ایجاد خواهد کرد. مسأله کشاورزی تا اینجا در ایرلند اگر یگانه شکل از مشکلات اجتماعی بوده به این علت است که با مسأله مرگ و زندگی اکثر مردم ایرلند و در عین حال با مسأله ملی گره خورده است. حذف اشرافیت زمیندار انگلیس در ایرلند عملیاتی است که خیلی راحت تر از انگلستان است، بی آن که از خصوصیت ایرلندی‌ها بگوئیم که نسبت به انگلیس‌ها دلبستگی‌هایشان به چنین امری خیلی بیشتر و خیلی انقلابی‌تر است.

ابتداء، بورژوازی انگلیس دارای همان منافع است که اشرافیت در تغییر و تبدیل ایرلند به چراگاهی دارد که گوشت و پشم آن را در پائین ترین قیمت ممکن به بازار انگلستان می‌فرستد. در ثانی با اخراج مزرعه داران و مهاجرت اجباری آنان به هدف کاهش جمعیت ایرلند به حدی ناچیز به همان اندازه موافق هستند تا بتوانند در این کشور برای سرمایه انگلیس (زمین اجاره‌ئی) «امنیت کامل» فراهم کنند. بورژوازی به همچنین خواهان «پاکسازی» مزارع ایرلندی است به همان گونه که خواهان همین وضعیت برای مناطق کشاورزی انگلستان و اسکاتلند بود. ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ لیور درآمد برای مالکانی که دور از زمینهایشان زندگی می‌کردند و دیگر درآمدهای ایرلند را نیز که سالانه در لندن انباشت می‌شد باید در نظر داشته باشیم.

ولی بورژوازی انگلیس دارای منافع خیلی مهمتری در اقتصاد کنونی ایرلند است. به یمن تمرکز پیوسته فزاینده مزارع، ایرلند دائماً مازاد خود را درزمینه نیروی کار به بازار کار انگلیس منتقل می‌کند و بر این اساس موجب کاهش دستمزد و وضعیت مادی و اخلاقی طبقه کارگر انگلیس می‌شود.

سرانجام، اصل موضوع این است که امروز در همه مراکز صنعتی و تجاری انگلستان طبقه کارگر به دو جبهه متخاصم تقسیم شده است: پرولترهای انگلیس و پرولترهای ایرلندی. کارگر انگلیس عادی از کارگر ایرلندی نفرت دارد زیرا او را رقیبی می‌پندارد که سطح زندگی متوسط او را تنزل می‌دهد. در رابطه با او خود را عضو ملت حاکم احساس می‌کند و بر این اساس به ابزاری برای اشرافیت و سرمایه داری علیه ایرلند تبدیل می‌شود و از سوی دیگر تسلط آنان را بر خودش تقویت می‌کند. پیش داوری‌های مذهبی، اجتماعی و ملی او را علیه کارگر ایرلندی برمی‌انگیزد. او [کارگر انگلیس] در رابطه با کارگر ایرلندی تقریباً مانند سفید پوست های فقیر در رابطه با سیاه پوستان در دولتهای قدیمی برده دار ائتلاف امریکائی رفتار می‌کند. کارگر ایرلندی هم به همان اندازه پاسخ او را می‌دهد. کارگر ایرلندی به کارگر انگلیس به مثابه همکار و در عین حال ابزار کور تسلط انگلیس بر ایرلند می‌نگرد.

این خصومت در عین حال به شکل مصنوعی از سوی رسانه‌ها با گفتمان مذهبی، مجلات فکاهی و خلاصه با هر وسیله‌ای که طبقه حاکم در اختیار دارد پوشش داده شده و تقویت می‌شود. این خصومت راز ناتوانی طبقه کارگر انگلیس است، گرچه دارای سازمان می‌باشد. در عین حال راز قدرت مصرانه طبقه سرمایه دار نیز هست و بدان کاملاً آگاهی دارد.

ولی مشکل به این موضوع متوقف نیست و به فراسوی اقیانوس منتقل می شود. تضاد بین انگلستان و ایرلند همانا علت پنهانی ست که روشنگر اختلاف بین ایالات متحده و انگلستان می باشد، و همواره مانع همکاری جدی و صادقانه بین طبقه کارگر دو کشور نیز بوده است. در این صورت دولتها هر وقت که منافعشان ایجاب کند و برای تضعیف طبقه کارگر در هر دو کشور به این اختلافات دامن می زنند و جنگ به پا می کنند.

انگلستان، کلان شهر سرمایه، که تا اینجا قدرت حاکم در بازار جهانی بوده، در حال حاضر مهمترین کشور برای انقلاب کارگری و یگانه کشوری ست که در آن شرایط مادی چنین انقلابی در مرحله آمادگی مناسبی به سر می برد. به همین علت، انجمن بین المللی کارگران بر آن است تا پیش از همه انقلاب اجتماعی در انگلستان را سرعت بخشد و یگانه راه تحقق آن کسب استقلال برای ایرلند است.

به همین علت انجمن بین المللی کارگران باید همواره اختلاف بین انگلستان و ایرلند را در اولویت خود قرار دهد و آشکارا از ایرلند دفاع کند. وظیفه ویژه شورای مرکزی در لندن بیدار کردن آگاهی نزد طبقه کارگر انگلیس است تا بدانند که آزادی ملی ایرلند یک موضوع انتزاعی عدالت خواهانه و یا انسان دوستانه نیست بلکه نخستین شرط آزادی اجتماعی خودشان می باشد..

این کمابیش نکات اصلی نامه ای ست که در عین حال علت وجودی بیانیه های شورای مرکزی در باره عفو ایرلند را توضیح می داد.

ادامه دارد